

### تنش در مستطیل سبز

حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی آمریکا، از مدت‌ها پیش به یک درام بر تعلیق و سوزهای داغ در صدر اخبار تبدیل شده است؛ داستانی که هر از چندگاهی با تولید یک حاشیه جدید، افکار عمومی و علاقه‌مندان به فوتبال را در بیم و امید نگه می‌دارد. به گزارش فوتبال ۲۶۰، بعداً است این روزها کسی داستان‌های تیم ملی را دنبال کرده باشد و از مصایب متعددی که گریبان این تیم را گرفته‌بی خبر ماند. از تغییر اجباری و ناگهانی کمپ تمرینی تیم ملی گرفته تا عدم صدور ویزا برای تعداد زیادی از اعضای کاروان، همگی نشان می‌دهند که مسیر پریشان‌انسان به زمین‌های اما فراتر از چالش‌های لجسنتیکی فعلی، نگرانی‌های عمیق‌تری متوجه موضوعاتی است که ممکن است در ادامه مسیر، پیش‌پای تیم‌ملی گذاشته‌شود.

این داستان پرماجرا، با یک بحران دیپلماتیک آغاز شد. پس از آنکه مهدی تاج و ممبینی از ورود به خاک کانادا منع به‌نوعی دیپورت شدند، فدراسیون فوتبال ایران تصمیم گرفت موضعی تهاجمی اتخاذ کند. رئیس فدراسیون با تنظیم یک لیست از شروط ۱۰گانه برای فیفا، صراحتاً تهدید کرد که در صورت عملی نشدن این خواسته‌ها، ایران قید حضور در جام جهانی را خواهد داد. یکی از اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین این شروط، صدور بدون قیدوشرط ویزا برای همه‌اعضای اعزامی است که ممکن است در ادامه مسیر، پیش‌پای فیفا و عده‌قطعی داده که همگی ویزا خواهند گرفت.

اما برخلاف این ادعاها، ایالات متحده از صدور ویزا برای ۱۵ نفر از اعضای کاروان ایران خودداری کرد تا اولین خشت این دیوار کج نهاده شود. فدراسیون فوتبال اما برخلاف تهدیدهای تنداولیه‌اش، قیدجام جهانی را نزن و اعلام کرد که تیم‌ملی در این تورنمنت حاضر خواهد بود. کاروان ایران با وجود این محدودیت شدید، ناچار شد راهی مکزیک شود تا دور نوبت‌نامه‌های خود را در کمپ شهر «تیخوانا» دنبال کند. افزون بر این، به‌تازگی ماجرای فرساینده «ویزای ساعتی» برای بازیکنان جوان نیز مطرح شده‌است؛ موضوعی که کادر فنی را به شدت نگران کرده، چراکه این بلا تکلیفی مداوم، برنامه ریزکاری و آمادسازی روانی و بدنی بازیکنان را به‌خطر انداخته‌است.

با وجود بحران ویزا، داستان‌های پیچیده‌تری نیز در راه است؛ داستان‌هایی که مستقیماً به هویت و نمادهای روی سکوها بازمی‌گردد. یکی دیگر از شروط ده‌گانه‌ای که فدراسیون برای فیفا تعیین کرده بود، ممنوعیت قاطع ورود پرچم‌های غیرمرتبط به ورزشگاه‌های محل بازی ایران بود. این موضوع چندی پیش به یک گزارش مفصل در رسانه‌های خارجی تبدیل شد. این رسانه‌ها با اشاره به اظهارات فردی نزدیک به مسئولان فیفا فاش کردند که این نهاد بین‌المللی قصد دارد مانع از حضور پرچم‌قبل از انقلاب ایران در ورزشگاه‌ها شود.



طبق بندهای قانونی فیفا، ورود پرچم‌های غیر رسمی به استادوم‌ها ممنوع است و این نهاد به فدراسیون ایران پیام‌مبنی در این زمینه داده‌است. با این حال، یک تر حیح بین‌نگران کننده در این میان وجود دارد؛ چالش‌بزرگ ضمانت‌اجرائی- در همان گزارش‌های بین‌المللی صراحتاً عنوان شده بود که این موضوع ضمانت‌اجرائی محکمی ندارد. در واقع مشخص نیست ماموران حراستی و امنیتی آمریکا تا چه اندازه با این دستور العمل همراهی کرده و از ورود این پرچم‌ها به استادوم‌هاستودم‌ممانعت به عمل خواهند آورد.

در حالی که تمام توجهات به پرچم‌های قبل از انقلاب جلب شده، موضوع دیگری در سکوت رسانه‌ای در حال تبدیل شدن به یک بحران جدی است؛ «پرچم و نمادهای هم‌جنس‌گرایان». اطلاعات به‌دست آمده‌نشان می‌دهد مهدی تاج در شرط و ده‌گانه‌اش، خواستار ممنوعیت ورود نمادهای هم‌جنس‌گرایان و پرچم‌های رنگین‌کمانی به ورزشگاه نیز شده بود. اما در این مورد، اخبار اصلاحیه سودفدراسیون ایران نیست. برخلاف پیام‌های مثبت واسطه‌ها درباره پرچم قبل از انقلاب، فیفا در مورد نمادهای رنگین‌کمانی هیچ خبری که فدراسیون ایران را خوشحال کند، منتشر نکرده‌است.

حالا یکی دو رسانه روسی و انگلیسی خبر داده‌اند که در جریان بازی حساس تیم‌های ملی ایران و مصر، سکوهای ورزشگاه میزبان این نمادها خواهند بود. سداسی «اسپورت، روسیه» که گزارش مفصل اعلام کرد که برنامه راهپیمایی هم‌جنس‌گرایان که قبل در شهر سیاتل (محل برگزاری مسابقه) برنامه‌ریزی شده بود، به‌قوت خود باقی است و این رویداد قرار است به‌درون ورزشگاه و جریان بازی ایران و مصر نیز کشیده‌شود.

اگر چه فیفا هنوز موضو رسمی و آشکاری اتخاذ نکرده، اما اظهارات «اریک وال» عضو کمیته‌مشورتی این رویداد، ابعاد پنهان ماجرا را روشن‌تر می‌کند. وال به‌طور رسمی در این گزارش عنوان کرده‌است: «بیرون از ورزشگاه و در سطح شهر که کاملاً برنامه هم‌جنس‌گرایان برقرار است، درباره بازی ایران و مصر، این سازمان دخالتی در امور ورزشگاه نخواهد داشت. اما این پرچم‌نماد هم‌جنس‌گرایان روی سکوهای ورزشگاه در این بازی امری معمول و مرسوم است. ما می‌دانیم که مصر و ایران نسبت به این موضوع اعتراض کرده‌اند. اما همان‌طور که فیفا خواستار احترام فرهنگی در جام جهانی قطر شده، اینجا هم خواستار احترام گذاشتن به این برنامه فرهنگی هستیم.» این جملات به‌نوعی یک پانک دیپلماتیک به شمار می‌رود؛ فیفا با ادواری قوانین سخت‌گیرانه فرهنگی در قطر ۲۰۲۲، اکنون از ایران و مصر می‌خواهد که به فرهنگ و برنامه‌های کشور میزبان (آمریکا) احترام بگذارند.

با توجه به اینکه مهدی تاج در یکی از شروط ده‌گانه‌اش مشخصاً به ممنوعیت ورود پرچم‌های رنگین‌کمانی اشاره کرده بود، اکنون فدراسیون فوتبال ایران در یک برزخ و نگرانی عمیق به‌سر می‌برد. واقعیت این است که فیفا توانست حتی شرط اول ایران، یعنی صدور ویزا برای همه‌افراد کاروان را برآورده کند و فدراسیون ناچار به پذیرش این عقب‌نشینی‌شود. همین به‌مهدی اول، این ترس بزرگ را در دل مسئولان فدراسیون کاشته است که مبادا فیفا خواسته‌ها و وعده‌هایش درباره پرچم‌های قبل از انقلاب و نمادهای هم‌جنس‌گرایان را نیز زیر پا بگذارد. بزوهای ایرانی اکنون خود را در محاصره‌ای از حواشی سیاسی و فرهنگی می‌بینند؛ جایی که فراتر از مستطیل سبز، سکوها نیز تحت‌فشار توت‌نوش‌های ورودی و پدیدار تحت‌الشعاع قرار داده‌اند و مشخص نیست که آیا فیفا در نهایت روی قولش خواهد ماند یا خیر.

#### آر یا طاری

امروز، روز موعود است. سوت آغاز جام‌جهانی ۲۰۲۶ در پهنای قاره آمریکای شمالی به صدا درمی‌آید و چشمان میلیون‌ها انسان به زمین‌های چمن دوخته می‌شود. جام جهانی همیشه برای تبه‌داران فوتبال، مترادف با تولد دوباره، شور، پرچم‌های رنگین و فریادهای از ته دل بوده است؛ اما تماشاگر امروز، در آستانه این تورنمنت بزرگ، خود را در میسان یک دوگانگی غریب و بی‌سابقه می‌یابد. از یک سو، هیچان ناشی از آغاز بزرگ‌ترین ضیافت ورزشی جهان، خسون را در رگ‌ها به جوش می‌آورد و از سوی دیگر، سایه‌ای از یک حسرت عمیق و ملموس روی این مستطیل‌های سبز سنگینی می‌کند. این تورنمنت، تنها یک رقابت برای تصاحب جام طلایی نیست؛ این یک مرتبه باشکوه، یک وداع دسته‌جمعی و آخرین پرده از نمایش نسلی است که فوتبال را برای بیش از دو دهه معنا بخشیدند. هر کسسی که امروز پای تلویزیون می‌نشیند یا روی صندلی ورزشگاهها قرار می‌گیرد، به خوبی می‌داند که عقربه‌های ساعت زمان چقدر بی‌رحم هستند. جام جهانی ۲۰۲۶ ایستگاه پایانی است؛ بنای یادبودی برای خدا حافظی با اسطوره‌هایی که با ساق‌های‌شان جساد او کردند، با لبخندهای‌شان شادای آفریدند و با اشک‌های‌شان، قلب‌ها را آشفردند. تماشای این تورنمنت برای مخاطب، تجربه‌ای شبیه به تماشای آخرین غروب آفتاب در یک روز بی نظیر است؛ زیبا، خیره کننده و در عین حال، غم‌انگیز.

چهار سال پیش، وقتی سوت پایان جام جهانی قطر به صدا درآمد، گمانه‌زنی‌ها بر این بود که کتاب افسانه‌ای لیونل مسی و کریستیانو رونالدو برای

#### کین که در تمام طول دوران حرفه‌ای خود با طلسم نبردن جام‌های تیمی دست و پنجه نرم کرده، این جام جهانی را به عنوان آخرین و حیاتی ترین فرصت خود می‌بیند، او می‌داند که این تورنمنت، آخرین شانس او برای رهبری نسل جدید انگلستان به سوی افتخاری است که دهه‌ها از آنها دریغ شده است

#### اتفاق روز

#### نگار رشیدی

کین که در تمام طول دوران حرفه‌ای خود با طلسم نبردن جام‌های تیمی دست و پنجه نرم کرده، این جام جهانی را به عنوان آخرین و حیاتی ترین فرصت خود می‌بیند، او می‌داند که این تورنمنت،

آخرین شانس او برای رهبری

نسل جدید انگلستان به سوی

افتخاری است که دهه‌ها از آنها دریغ شده است

## حسرت و شکوه در ضیافت آغاز جام جهانی ۲۰۲۶

## پرده آخر

همیشه در صحنه بین‌المللی بسته شده است. کار شناسان می‌گفتند خاور میانه، آخرین ایستگاه این دو فوق‌ستاره است و بدن‌های خسته آنها دیگر تاب و توان دویدن در پهنه یک جام جهانی دیگر را نخواهد داشت. اما تماشاگران فوتبال بار دیگر شاهد عصیان این دو پادشاه علیه قوانین طبیعت بودند. آنها قواعد زیست‌شناسی و پیش‌بینی‌ها را تغییر دادند، با اراده‌ای برخاسته از جنون فوتبال، خود را سرسبز یا تکه داشتند و حالا امروز، در جام جهانی ۲۰۲۶ حاضر هستند تا آخرین فصل از کتاب قطور افتخارات خود را بنویسند.

برای مخاطبی که دو دهه با دو گانه مسی-رونالدو زندگی کرده، تماشای آنها در این تورنمنت، حکم لمس یک تاریخ زنده را دارد. کریستیانو رونالدو با آن نگاه‌های نافذ و عطش سیری‌ناپذیرش برای گلزنی، برای آخرین بار پیراهن پرتغال را به تن می‌کند تا نشان دهد که اراده انسانی می‌تواند زمان را به زانو در آورد. در نقطه‌ای دیگر، لیونل مسی با آن پای چپ جادویی و گام‌های شمرده، در ترکیب آبی سلسلته قدما می‌زند تا شاید برای آخرین بار تماشاگر نیوغ خالص را به جهان هدیه دهد. تماشاگر امروز می‌داند که پس از پایان این یک ماه، دیگر هرگز نام این دو نفر را در لیست هیچ جام جهانی دیگری نخواهد دید. این فصل در که هر لمس توپ، هر ضربه آزاد و هر فریاد پس از گل آنها را به یک اثر هنری گران‌بها تبدیل می‌کند که باید آن را در عمیق‌ترین جای حافظه قاب کرد. فوتبال برای مخاطب، تنها در گل‌زدن خلاصه نمی‌شود؛ فوتبال در ترس‌های تماشای این تیم در جام جهانی ۲۰۲۶، برای مخاطب تماشای تلاش هنرمندی است که می‌خواهد پیش از پایان آمدن پرده‌ها، آخرین و باشکوه‌ترین شاهکار خود را خلق کند؛ شاهکاری به رنگ طلای جام جهانی.

اما در سسوی دیگر میدان، محافظان فوتبال نیز در حال وداع هستند. مانوئل نوسلر، مردی که تعریف پست دروازه‌بانی را در تاریخ فوتبال تغییر داد که از دل سختی‌ها بر خاستند و به اوج رسیدند، مخاطبی که بازی‌های مصر یا سنگال را تماينده شایسته قاره آفریقا، در این جام جهانی آخرین تیرهای خود را رها می‌کنند. آنها نماد بازیکنانی هستند که از دل سختی‌ها بر خاستند و به اوج رسیدند. مخاطبی که بازی‌های مصر یا سنگال را تماشا می‌کند، تیش قلب میلیون‌ها انسان در قاهره و دادا کار احس خواهد کرد که هنگام با ساق‌های صلاح قاب جام جهانی ثبت می‌شوند. در خط دفاعی نیز، ویر جیسل فن دایک، صخره آرام و مقتدر هلند، آخرین تورنمنت جهانی خود را به‌یاد می‌سیر می‌گذارد. فن دایک با آن قامت پرافراشته و آرامش منحصر به‌فردش، برای آخرین بار

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee\_irani



می‌کند، از توان خیلی از بازیکنان خارج است. اما او اینجاست تا در آخرین حضور جهانی‌اش، نام خود را به عنوان منجی در تاریخ فوتبال کشورش ثبت کند.

مخاطب امروز فوتبال با چالش روحی عیبیی روبه‌رو است. چگونه می‌توان از بازی‌های مهیج، استادبوم‌های مدرن و گل‌های پر شمار لذت برد، در حالی که می‌دانی هر سوت پایان، گامی است به سوی خدا حافظی ابدی با این ستاره‌ها؟ حقیقت این است که فوتبال از فرای پایان این جام جهانی، دیگر هرگز شبیه به گذشته نخواهد بود. نسلی که پیونددهنده فوتبال سنتی و مدرن بود، نسلی که فوتبال را با فداکاری، تعصب و جادوی فردی به اوج رساند، جایش را به سیستمی کاملاً تاکتیکی، فیزیکی و روایتیک خواهد داد.

از این رو، یادداشت حاضر یک دعوت‌نامه است؛ دعوت از مخاطب برای اینکه در این یک ماه، ثانیه‌ای را از دست ندهد. این بار، تحلیل‌های خشک تاکتیکی و آمار و ارقام را باید کنار گذاشت و فوتبال را با قلب تماشا کرد. باید به مسیر دویدن مسی خیره شد، پرش‌های رونالدو را در ذهن ثبت کرد و از هر پاس مودریچ عکس گرفت. این جام جهانی، یک ضیافت مجلل است که در پایان آن، نیمی از خاطرات فوتبالی یک نسل از تماشاگران، باز نشسته خواهد شد.

جام جهانی ۲۰۲۶ از امروز آغاز می‌شود. بگذارید بوق‌ها به صدا درآیند، پرچم‌ها برافراشته شوند و اشک‌ها جاری گردند. این تورنمنت، حسرتی است که در رای جشن ظاهر شده‌است. مخاطب گرمایی به تماشای آخرین پرده از نمایش خدایان مستطیل سبز بنشین؛ چراکه این باشکوه‌ترین و غم‌انگیزترین داستانی است که فوتبال تا به امروز برای جهان روایت کرده‌است.

مهاجمان جهان را به چالش می‌کشند. تماشای این مدافعان و دروازه‌بانان اسطوره‌ای، یادآور این است که دفاع نیز می‌تواند به اندازه هجوم، زیباشناسانه و دراماتیک باشد.

### چهار سال پیش، وقتی سوت پایان جام جهانی قطر به صدا درآمد، گمانه‌زنی‌ها بر این بود که کتاب افسانه‌ای لیونل مسی و کریستیانو رونالدو برای همیشه در صحنه بین‌المللی بسته شده است.

اما تماشاگران فوتبال بار دیگر علیه قوانین طبیعت بودند

مهاجمان جهان را به چالش می‌کشند. تماشای این مدافعان و دروازه‌بانان اسطوره‌ای، یادآور این است که دفاع نیز می‌تواند به اندازه هجوم، زیباشناسانه و دراماتیک باشد.

مهاجمان جهان را به چالش می‌کشند. تماشای این مدافعان و دروازه‌بانان اسطوره‌ای، یادآور این است که دفاع نیز می‌تواند به اندازه هجوم، زیباشناسانه و دراماتیک باشد.

برای برخی کشورها، جام جهانی فراتر از یک تورنمنت، تجلی هویت و غرور ملی است و این غرور اغلب بر دوش یک نفر حمل می‌شود. محمد صلاح، فرعون فوتبال مصر و سادو مانه، شیر سنگال، دو نماینده شایسته قاره آفریقا، در این جام جهانی آخرین تیرهای خود را رها می‌کنند. آنها نماد بازیکنانی هستند که از دل سختی‌ها بر خاستند و به اوج رسیدند. مخاطبی که بازی‌های مصر یا سنگال را تماشا می‌کند، تیش قلب میلیون‌ها انسان در قاهره و دادا کار احس خواهد کرد که هنگام با ساق‌های صلاح قاب جام جهانی ثبت می‌شوند. در خط دفاعی نیز، ویر جیسل فن دایک، صخره آرام و مقتدر هلند، آخرین تورنمنت جهانی خود را به‌یاد می‌سیر می‌گذارد. فن دایک با آن قامت پرافراشته و آرامش منحصر به‌فردش، برای آخرین بار

اما در سسوی دیگر میدان، محافظان فوتبال نیز در حال وداع هستند. مانوئل هانسلر، مردی که تعریف پست دروازه‌بانی را در تاریخ فوتبال تغییر داد که از دل سختی‌ها بر خاستند و به اوج رسیدند. مخاطبی که بازی‌های مصر یا سنگال را تماشا می‌کند، تیش قلب میلیون‌ها انسان در قاهره و دادا کار احس خواهد کرد که هنگام با ساق‌های صلاح قاب جام جهانی ثبت می‌شوند. در خط دفاعی نیز، ویر جیسل فن دایک، صخره آرام و مقتدر هلند، آخرین تورنمنت جهانی خود را به‌یاد می‌سیر می‌گذارد. فن دایک با آن قامت پرافراشته و آرامش منحصر به‌فردش، برای آخرین بار

چرا جام جهانی ۲۰۲۶ برای ایران فراتر از فوتبال است؟

## روایای صعود در سایه باروت



خبر، هر بازی در این جام، حکم یک فینال مرگ و زندگی را دارد و این همان چیزی است که جذابیت تورنمنت را برای ایرانی‌ها دوچندان می‌کند.

مرد ایران در شرایط سخت این روزها، بیش از هر زمان دیگری به موفقیت این تیم نیاز دارند. خطوط چهره مردم، روایتگر ماه‌ها اضطراب، گراتی، اخبار ناگوار و هراس از فریاد است. چنین اتمسفری، فوتبال دیگر یک بازی ساده نیست؛ یک کاروی شفا بخش، یک مسکن جمعی و تنها ابزاری است که می‌تواند موقتا غم‌ها را پشت درهای خانه جا بگذارد. تماشاگر ایرانی به فوتبال پناه می‌آورد تا برای ۹۰ دقیقه، صدای آژیرها، اخبار ناامیدکننده و دغدغه‌های معیشتی را فراموش کند.

این ۹۰ دقیقه‌ها، حکم یک تنفس مصنوعی را برای جامعه‌ای دارد که زیر بار فشارهای روانی خم شده‌است. آرزش یک گل در جام جهانی برای مردم ایران، فراتر از تغییر آمار روی تابلو است؛ آن گل یعنی انفجار شادی در آرزای تمان‌های تارک، یعنی بوق‌های ممتد شادی در خیابان‌هایی که مدت‌هاست صدای خنده بلندی به

خود ندیده‌اند، و یعنی آغوش‌های بی‌ر미ان غریبه‌هایی که برای چند لحظه، همه چیز را فراموش کرده‌اند. مردم ایران به این موفقیت نیاز دارند تا باور کنند که هنوز هم می‌توانند شاد باشند، هنوز هم می‌توانند پیروز شوند و هنوز هم دلیلی برای غرور وجود دارد. تیم ملی در این تورنمنت، بار سنگین خنده‌های گمشده یک ملت را بر دوش می‌کشد.

وقتی ۱۱ مرد پیراهن سفید تیم‌ملی را به تن می‌کنند و با پرچم ورزشگاه‌های مدرن آمریکا، کانادا یا مکزیک می‌گذارند، می‌دانند که پشت سر آنها، فر سنگ‌ها دورتر، میلیون‌ها جفت چشم نگران، خیره به بساق‌های آنهاست. از بدمی که یادست‌های پینه‌بسته کنار فرزندش نشسته تا جوانی که در اوج ناامیدی به صفحه تلویزیون زل زده، همه و همه یک چیز را زمزمه می‌کنند: «فقط برای چند لحظه حال ما خوب کنید.» این مسئولیت، شاید سنگین‌ترین باری باشد که یک ورزشکار می‌تواند در طول زندگی حرفه‌ای خود حمل کند. این جام جهانی، آزمون بزرگی برای ستاره‌های تیم ملی است. آنها باید تمام حواشی، کمبودها، بازی‌های تدارکاتی لغو شده و حتی خستگی‌های روحی ناشی از شرایط وطن را پشت سر بگذارند و تبدیل به صخره‌هایی رسوخ‌ناپذیر در میدان شوند. هر تکل، هر سیودروازه‌بان و هر فراری که در خط حمله شکل می‌گیرد، بازتابی از روحیه مقاومت تماشاگر ایرانی است. جذابیت این یادداشت و این بازی‌ها در همین است؛ اینکه فوتبال چطور می‌تواند در اوج ناامیدی، حساسه بیافریند و چطور ۱۱ بازیکن می‌توانند تبدیل به ناجیان موقت روحی یک ملت بزرگ شوند.

سوت آغاز جام جهانی ۲۰۲۶ به صدا درمی‌آید و مارا تن بزرگ آغاز می‌شود. خیابان‌های شهرهای ایران در زمان بازی‌های ملی خلوت خواهد شد، نفس‌ها در سینه حبس می‌شود و قلب‌ها با هر ضربه به توپ، تندتر می‌تپد. ایران، تیم بی‌ستاره‌وبی امکانات این جام نیست؛ ایران تیمی است که ثروتی به نام «عشق و دعای یک ملت خسته‌اما امیدوار» را پشت سر خود دارد.

مخاطب ایرانی، فارغ از هر نتیجه‌ای، به تماشای غیرت و جنگندگی این پسران خواهد نشست. اما همه می‌دانند که ته دل هر ایرانی، آرزوی آن لحظه جادویی موج می‌زند؛ لحظه‌ای که داور سوت پایان بازی سوم گروهی را بزند، کلمه «صعود» در کنار نام ایران نقش ببندد و اشک‌های شوق، جایگزین اشک‌های اندوه این روزها شود. جام جهانی ۲۰۲۶ از امروز آغاز می‌شود؛ بگذارید باروت‌ها فراموش شوند، بگذارید ترس‌ها رنگ ببازند؛ امروز روز فوتبال است و شاید، روز معجزه‌ای که یک ملت سال‌هاست در انتظارش می‌سوزد.